

شیخ طوسی و آرای تفسیری معتزله

دکتر محسن قاسم‌پور

(اسنادبار دانشگاه کاشان، گروه علوم قرآن و حدیث)

MohsenGhasempour@yahoo.com

چکیده: تفسیر بیان یکی از تفاسیر شیعی در قرن پنجم هجری است که بارویکرد کلامی به نگارش آمده است از نشانه‌های آشکار آن، کوشش شیخ طوسی برای تحکیم مبانی نظری شیعه در این تفسیر است. تقدم نسبی دانش کلام بر سایر علوم در عصر شیخ طوسی و مناظرات کلامی، همجنس مرجعت و احاطه علمی شخصیت‌هایی نظیر شیخ مفید، سید مرتضی و خود شیخ در این رشته، در سمت و سو دادن به این تفسیر بی‌تأثیر نبوده است. طرح دیدگاه‌های نسبتاً فراگیر معتزلیانی همانند ابوعلی حبابی، علی بن عیسی رمانی، ابوالقاسم بلخی (باکعبی) و محمد بن بحر اصفهانی در همین جهت، قابل‌ارزیابی است. شیخ طوسی هم به لحاظ روش عقل‌گرایانه محمد بن بحر اصفهانی و علی بن عیسی رمانی و هم به دلیل برخی مبانی مشترک اعتقادی با معتزلیان تفسیر آنان را پسندیده، برخی از آرای آنان را تلقی به قبول کرده و البته در موارد درخور نوجهی نیز دیدگاه‌های آنان را مورد مناقشه قرار داده و مردود دانسته است.

کلید واژه‌ها: شیخ طوسی، معتزله، روش‌های تفسیری، کلام، تفاسیر شیعه

طرح مسئله

یکی از مراحل مهم در بررسی تاریخ اندیشه بشری، یافتن نسبت و رابطه معارف عقلانی و وحیانی است. به این موضوع به ویژه در میان دین‌داران توجه ویژه‌ای شده و مباحث فراوانی را به سوی خود معطوف داشته است. در تاریخ تفکر اسلامی از دو

جریان فکری متعارض نسبت به یکدیگر یکی با عنوان خردگرایی و دیگری با نام نص‌گرایی سخن به میان آمده است. این دو نگاه در دانش کلام میان مسلمین بازتاب یافته است. در تاریخ علم کلام، شاخص‌های فکری شیعیان، معتزله و اشاعره تمایز آشکاری دارند، اما اشتراکات تفکر کلامی شیعه و معتزله، عده‌ای را بر آن داشته که ادعا کنند شیعه از میراث تفکر اعتزال بهره برده است؛ این در حالی است که امامیه تفکر برهانی خویش را از ائمه و خصوصاً امام علی ع الهام گرفته است. پرسش محوری این مقاله چگونگی و چرایی نسبت اندیشه‌های تفسیری شیخ طوسی در مقام مفسر و متکلم شیعی با تفسیرهای معتزلی است. این موضوع به‌ویژه از آن جهت در خور بررسی است که در قرن پنجم با پیدایی متکلمانی نظیر شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق) و پس از او سید مرتضی (م. ۴۳۶ ق) و سرانجام شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق) با نگارش آثار و کتب متعدد و یا مناظره و مباحثه با سایر مذاهب مانند معتزله در دوران حاکمیت آل بویه، که با شیعیان پیوند فکری داشتند، این جریان را عمق بخشیدند.

عصر و روزگار شیخ طوسی

پرداختن به عصر شیخ طوسی و بررسی زمینه‌های نگارش تفسیر عظیم تبیان را باید با کاوشی در تلاش‌های کلامی استادش شیخ مفید و اکاوی کرد. در میان منازعات فرقه‌ای قرن‌های چهارم و پنجم هجری، معتزله و شیعه به‌ویژه در برابر اهل حدیث به نوعی همگرایی دست یافتند که در نتیجه آن تماس‌هایی بین عالمان دو مکتب مذکور برقرار شد. محققان بر آنند که معتزله در زمانی که احساس کردند در میان اهل سنت جایی ندارند، باید به شیعه پناه ببرند. همین موضوع باعث شد که در سایه دولت آل بویه مکتب اعتزال توسعه یابد (زهدی ۱۳۶۶: ۲۰۴)، از پیامدهای مثبت این ارتباط، وجود مباحثات و مناظرات بین عالمان دو مکتب بود که گزارش آن در آثار مربوط به تاریخ علم کلام بازتاب یافته است. مناظره بین ابو محمد حسن بن موسی نوبختی (م. بین ۳۰۰ تا ۳۱۰ ق) با ابو علی جبایی و ابوالقاسم بلخی (م. ۳۱۷ یا ۳۱۹ ق) (مکدر موت ۱۳۸۴: ۳۰-۳۱) و نیز مناظرات و جدل‌های شیخ مفید با عالمانی چون رمانی، قاضی عبدالجبار و قاضی ابوبکر باقلانی (م. ۴۰۳ ق) از نمونه‌هایی است که تراجم‌نویسان آن را گزارش کرده‌اند (خطیب بغدادی ۱۴۱۷: ج ۳، ۴۴۹؛ ذهبی ۱۴۰۷: ج ۲۸، ۳۳۲؛ ابن عماد حنبلی [بی تا]: ج ۳، ۲۰۰). این همه به خاطر آن بود که محیط بغداد زمینه مساعده برای فلسفه

شدن کلام معتزلی فراهم آورد و به مهم‌ترین پایگاه برای تلاقی فرهنگ‌های بومی جهان اسلام مبدل شد. با استفاده از چنین محیطی بود که سالیانی قبل از شیخ مفید، کسانی مانند بشر بن معتمر (م. ۲۱۰ ق) از نسل سوم معتزلیان در بغداد مجلس مناظره داشت و بالطبع متکلمی مانند شیخ مفید توانست افزون بر بهره‌گیری از ادبیت‌های امامیه و افکار متکلمان پیشین شیعه به مطالعات گسترده‌ای در آثار معتزله به خصوص کتاب‌های ابوالقاسم بلخی (م. ۳۱۷ یا ۳۱۹ ق) از معتزلیان مکتب بغداد روی آورد و در شیوه‌ها و روش‌های کلامی از آن‌ها سود جوید.

ذکر این نکته ضروری است که آنچه شیخ مفید را از معتزلیان بغداد جدا می‌کرد، نگرش او در باب امامت بود؛ اما در مسئله توحید و عدل، وی قرابت بسیاری به آنان داشت. مرجعیت شیخ مفید و سید مرتضی و معاصران ایشان، در رشته کلام و دفع شبهات مخالفان بود و ظاهراً آن روزگار، این علم بر همه علوم حتی فقه و حدیث سیطره بلامنازعی یافت (دوانی ۱۳۸۶: ۷۸) از نکات قابل توجه دیگری که می‌توان آن را محصول قرابت فکری شیعه و معتزله به شمار آورد گرویدن کسانی از میان معتزله به مکتب شیعه و بیدایی آثاری در قالب ردیه‌نویسی علیه اعتقادات پیشین معتزلی‌شان است. ابن قبه رازی (م. اول سده ۴ ق) از نمونه افرادی است که بعد از شیعه شدن به چنین کاری اقدام کرد. (نجاشی ۱۴۱۸: ۳۷۵) کوشش‌های دیگری در زمینه ردیه‌نویسی را می‌توان در میان آثار متکلمانی چون خاندان نوبختی (ابوسهل و حسن بن موسی نوبختی) و شیخ مفید جستجو کرد. نگاهی گذرا به آثار کلامی شیخ مفید که با عناوینی مانند التقص و یا الرد یا کتاب جوابات از آن‌ها یاد شده (طوسی ۱۴۰۴: ۴۰۱-۴۰۰) نشان می‌دهد که تا چه اندازه وی به این قبیل مباحث و اثبات مبانی کلامی شیعه اهتمام ورزیده است.

شخصیت دیگر زمان شیخ طوسی، سید مرتضی است. شیخ طوسی هم در کتاب رجال خود (۱۴۰۴: ۴۸۴) و هم در فهرست (۱۴۱۷: ۱۲۵) جامعیت، تبحر و برتری او را در دانش کلام، ادبیات و شعر اصول فقه و فقه مورد تصریح قرار داده است. بخش عمده‌ای از آثار سید مرتضی به کلام و عقاید، دفاعیه‌ها و مناظره‌ها اختصاص دارد، مانند الشافی فی الامامه (در نقد دیدگاه‌های معتزلیانی چون قاضی عبدالجبار) و الذخیره فی علم کلام.

محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ یا شیخ الطائفه (متوفی ۴۶۰ ق) از عالمان

بزرگ شیعی است. از دیگر شاخصه‌های شیعی بودن او نخست آنکه وی با نگارش دو کتاب از چهار کتاب اصلی فقه شیعه یعنی تهذیب و استبصار سهم فراوانی در روند شکل‌گیری این فقه ایفا کرده است. دو دیگر، همچنان که در کتاب مبسوط تصریح کرده، در برابر تحقیر دانشمندان عامه نسبت به فقهای شیعه کوتیده، از کیان فقه امامیه به شیوه‌ای استدلالی دفاع کند (طوسی [بی‌تا]: ۱) و این موضوع به گونه‌ای بود که در اوایل قرن پنجم به دست شیخ طوسی، فقه شیعه تغییر کیفی یافت. شاخصه سوم، اهتمام این اندیشمند در تحکیم و مستدل کردن کلام شیعی در میان نزاع‌های کلامی آن روزگار و تعیین جایگاه آن در میان تفکر کلامی معتزله و اشاعره است. سهم او در کلام شیعه ضمن تأکید بر بهره‌گیری از روایات معصومین سند محکمی بر امامی بودن اوست.

پس از ورود به بغداد در سال ۴۰۸ ق به مدت ۵ سال از محضر استادش شیخ مفید استفاده کرد و پس از درگذشت او در دانش‌هایی مانند کلام و تفسیر و علوم ادبی، افزون بر دو دهه از دانش سید مرتضی بهره برده است. احاطه وسیع او بر عقاید و مذاهب موجب شد از طرف خلیفه وقت القائم بامرالله (م. ۴۶۷ ق) کرسی علم کلام در اختیار وی قرار گیرد (معرفت [بی‌تا]: ج ۲، ص ۳۷۴). اواخر دوران اقامت شیخ طوسی در بغداد در دوره‌ای است که به تدریج آرامش و شکوه شیعه رو به افول گراییده به گونه‌ای که در سال‌های ۴۱۶ و ۴۲۲ ق خانه سید مرتضی طعمه حریق یا غارت می‌شود و در سال ۴۴۸ ق به دنبال چیرگی اهل سنت محله شیعه‌نشین کرخ که خانه خود شیخ طوسی در آن واقع شده بود، دچار آتش‌سوزی می‌شود که وی به ناچار پس از آن به نجف هجرت می‌کند (ابن جوزی ۱۹۹۲: ج ۸، ۱۷۳ و ۱۷۹).

معرفی اجمالی تبیان

التبیان فی التفسیر القرآن اثر مهم شیخ طوسی در تفسیر قرآن به‌شمار می‌آید. وی این کتاب را پس از هجرت به نجف نوشته است (معرفت [بی‌تا]: ج ۲، ۳۷۵) در یک تفهیم‌بندی کلی این کتاب را می‌توان جزء تفاسیر جامع و عقلی - اجتهادی در نظر گرفت. شیخ طوسی وقتی تفاسیر قبل از خود را مورد بررسی قرار می‌دهد آن را به چند دسته تقسیم می‌کند: نخست تفاسیر روایی عالمان و مفسران شیعی پیش از او که به دلیل برخی کاستی‌ها و عدم جامعیت، به‌طور کامل نمی‌توانسته به کار تفسیر قرآن بیاید؛ زیرا تبیین مراد الهی و تفسیر آیات افزون بر روایات به منابع دیگری نیز نیازمند است.

(طوسی [بی تا]: مقدمه، ۱) به دیگر سخن، گرچه روایات موثق، شرط لازم تفسیر قرآن است، شرط کافی نیست. دسته دوم تفاسیری از آن مفسران اهل سنت، نظیر تفسیر طبری (جامع البیان عن تاویل آی القرآن)، که در آنها تطویل‌هایی وجود داشت، که حاجت به آنها نبود. گروه سوم تفاسیری، که مفسران آنها صرفاً به معانی غریب و الفاظ صرف بسنده کرده، و بیش از حد موجز و مختصر بودند و بالاخره تفاسیری بین این دو دسته مذکور که مفسران آنها نیز به دلیل عدم وقوف و آگاهی بر جنبه‌های مهم تفسیری، حق مطلب را ادا نکردند. شیخ طوسی پس از ارائه چنین تحلیلی از تفاسیر موجود آن روزگار، عزم خود را برای تدوین اثری در تفسیر جزم می‌کند که ضمن برخورداری از محاسن تفاسیر پیشین از کاستی‌های آن نیز به دور باشد.

در بغداد در فاصله بین قرن سوم تا چهارم تفاسیری بارویکرد کلامی به نگارش در آمد که از آن میان می‌توان به تفسیر بلخی (م. ۳۰۹ ق) تفسیر ابو مسلم اصفهانی (م. ۳۲۲ ق) و تفسیر علی بن عیسی رمانی (م. ۳۸۴ ق) اشاره کرد.

یکی از نکات مهم در مقدمه تفسیر تبیان توجه شیخ طوسی به دو تفسیر پیش از خود، یعنی تفسیر علی بن عیسی الرمانی و دیگری تفسیر محمد بن بحر اصفهانی است. این هر دو اثر به مکتب تفسیری معتزله مربوط بودند. در این بین پرسشی که مطرح است اینکه چه چیزی در این دو تفسیر که دارای رویکرد کلامی بوده‌اند، را موجب تحسین شیخ طوسی گشته است؟ به نظر نگارنده شیخ طوسی بیشتر به لحاظ رویکرد و روش این دو و گاهی هم به خاطر مضامین محتوایی این دو تفسیر، آن‌ها را پسندیده است. عصر طوسی و تأثیرپذیری از مشایخ پیشین در نوع نگاه مفسر تبیان مؤثر افتاده است و آن چه تحت عنوان رنگ کلامی تفسیر تبیان مطرح است، دقیقاً از این زاویه قابل ارزیابی و تحلیل است.

محمد بن بحر اصفهانی و تفسیر او

محمد بن بحر اصفهانی معتزلی، عالم نحوی، ادیب، متکلم و مفسر و از دولتمردان روزگار عباسی است. (تنوخی ۱۳۹۱: ج ۴، ۱۰۷ و ابن مرتضی [بی تا]: ۹۱) وی زمانی حکمران فارس، اصفهان و قم بوده است (یاقوت حموی ۱۳۹۹: ج ۱۸، ۳۶؛ قمی ۱۳۶۱: ۱۰۸، ۱۴۲ و ۲۱۸) آقا بزرگ طهرانی احتمال داده، معروف شدنش به مذهب اعتزال از باب تقیّه باشد ([بی تا]: ج ۵، ۴۴) متکلمان و مفسران بزرگ مانند قاضی

عبدالجبار، حاکم جشمی، سید مرتضی، فخر رازی و طبرسی در موارد متعددی نظریات وی را در تفسیر آیات نقل کرده و آن‌ها را پذیرفته یا نقد کرده‌اند (سید مرتضی ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۳؛ ج ۲، ۱۹۹؛ فخر رازی ۱۴۲۰: ج ۲، ۲۷؛ ح ۶، ۲۶؛ طبرسی [بی‌تا]: ج ۱، ۸۱؛ ج ۲، ۶۵ و بسیاری موارد دیگر) گفته‌اند او منکر وقوع نسخ در آیات قرآن بوده است. (بیضاوی ۱۴۰۸: ج ۱، ۳۹-۴۰؛ فخر رازی ۱۴۲۰: ج ۳، ۲۳۰) تفسیر او با عنوان جامع التاویل لمحكم التنزیل در چهارده جلد و براساس عقاید معتزلی بوده است (ابن ندیم ۱۳۶۶: ۱۵۱؛ یاقوت حموی ۱۳۹۹: ج ۱۸، ۳۶)

رمانی و تفسیر او

ابوالحسن علی بن عیسی بن عبدالله الرمانی، نحوی، متکلم و مفسر قرآن (م. ۳۸۴ ق) قرن چهارم بود. وی نیز از بزرگان معتزله و استاد شیخ مفید که عقیده داشت علی (ع) افضل صحابه است (ذهبی ۱۴۰۷: ج ۱۶، ۵۳۴). او با نام‌های اخسیدی و وراق هم معروف بوده است (داوودی ۱۴۱۳: ۲۹۰). رمانی در اعجاز قرآن صاحب‌نظر بوده و دیدگاه‌های او مورد توجه قرآن‌پژوهان و مفسران قرار گرفته است. (بنت الشاطی ۱۳۷۶: ۱۰۵-۱۰۲) کتاب او در این زمینه به نام النکت فی الاعجاز است. ابن ندیم نیز او را عالمی معرفی کرده که در حوزه‌های گونه‌گون از جمله قرآن دارای اثر بوده است. (ابن ندیم ۱۳۶۶: ۱۰۷) این که شیخ طوسی روش وی را در تفسیر ستوده معلوم می‌شود وی دارای تفسیر بوده است. گفته شده همین رمانی بود که لقب مفید را به ابن المعلم مفید داد. (شوشتری ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۶۴؛ مفید ۱۳۷۱: ۲۱) ولی نه خود مفید و نه ابن ندیم از آن ذکری به میان نیاورده‌اند.

شیخ طوسی و ترجیح روش تفاسیر محمد بن بحر اصفهانی و تفسیر رمانی

منابع تفسیر عبارتند از: قرآن، روایات (پیامبر و اهل بیت) عقل و کشف و شهود. اگر بر اساس آنچه برخی محققان تصریح کرده‌اند، روش تفسیری را همان منبع بدانیم و اختلاف در روش تفسیری نیز معطوف به اختلاف در منابع تفسیری باشد (شاکر ۱۳۸۲: ۴۷) در این صورت تفسیر محمد بن بحر اصفهانی و تفسیر رمانی از این حیث چگونه بوده‌اند؟ کاوش در این دو تفسیر نشان می‌دهد که هر دو مفسر از منابع مذکور به نحوی بهره‌برداری کرده‌اند.

جایگاه تفسیر قرآن به قرآن در دو تفسیر معتزلی

ابومسلم محمد بن بحر و علی بن عیسی رمانی در تفسیرهای خود از قرآن به عنوان اولین منبع فهم آیات الهی استفاده کرده‌اند. اکنون به برخی از نمونه‌های آن اشاره می‌کنیم.

در نظر اصفهانی آیه «کنتم خیر امة» (آل عمران: ۱۱۰) با استناد به آیه «اما الذین ابیضت وجوههم» (آل عمران: ۱۰۷) تفسیر می‌یابد، اما با لحاظ تقدیری این چنین «بقال لهم عند الخلود فی الجنة کنتم خیر امة استحقیتم فیہ من الرحمة و بیاض الوجه بسببه»؛ به هنگام برخورداری از نعمت جاودانگی در بهشت به آن‌ها گفته می‌شود شما بهترین امت‌اید و مستحق آن‌چه از قبیل رحمت و روشنی چهره در بهشت به‌شمار می‌آید (۱۴۲۸: ۱۳).

شاهد دیگر در این زمینه تفسیر آیه ۱۹۸ بقره است. در این آیه سخن از بهره‌بری از فضل پروردگار در ایام حج است. به اعتقاد جمعی از مفسران، مقصود از این فضل حلال بودن تجارت و داد ستد در ایام حج است. (فخر رازی ۱۴۲۰: ۳۲۳؛ طبرسی [بی‌تا]: ج ۲، ص ۵۲۷) اما ابومسلم اصفهانی معتقد است بهره‌گیری از منابع تجاری و معاملات به ایام بعد از حج موکول شده است؛ چراکه این آیه را باید با لحاظ آیه «فاذا قضیت الصلاة فاتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله» است (جمعه: ۱۰) تفسیر کرد. (برخی نمونه‌های دیگر عبارت است از: آل عمران: ۱۲۱؛ اعراف: ۱۴۳، توبه: ۱۸، ۳۶ و ۴۶، مریم: ۵۷ و ۷۵... ۱۴۲۸: ۱۲)

رمانی دیگر مفسر معتزلی، در تفسیر آیه ۲۹ سوره بقره آن‌جا که می‌خواهد اثبات کند سماوات غیر از افلاک است، زیرا افلاک حرکت و دوران می‌پذیرد اما آسمان چنین نیست، به آیه ۴۱ سوره فاطر استناد می‌کند؛ گرچه شیخ طوسی این برداشت را صحیح نمی‌داند. (طوسی، [بی‌تا] ج ۱، ص ۲۵) استدلال رمانی در تفسیر آیه «و اذ قلنا للملائكة اسجدوا...» (بقره: ۳۴) و در ردّ ملک بودن ابلیس، با توجه به آیات «لا یعصون الله ما امرهم و يفعلون ما یأمرون» (تحریم: ۶) و نیز آیه «و اذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابلیس کان من الجن» (کهف: ۵۰) و آیه «الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولی اجنحة» (فاطر: ۱) نمونه دیگر در این زمینه است. (طوسی [بی‌تا]: ج ۱، ۱۵۱)

همچنین می‌توان تفسیر آیه ۱۹۴ آل عمران «ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک...»

را شاهد مثال آورد که علی بن عیسی رمانی با استناد به آیاتی مانند آیه «رَبِّ احْكَمْ بِالْحَقِّ» (انبیاء: ۱۱۲) و یا آیه «لَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا» (بقره: ۲۸۶) مورد تفسیر قرار داده است. وی در تفسیر آنکه چرا بندگان تحقق وعده‌های الهی را طلب می‌کنند بین موضوع تضرع و انقطاع الی الله پیوندی برقرار کرده و از رهگذر آن عدم تخلف وعده الهی را نتیجه گرفته است.

گرچه ارتباط آشکاری بین تفسیر آیه مذکور و آیات مورد استشهاد رمانی وجود ندارد، این که مفسر روش تفسیر آیه به آیه را مورد استفاده قرار داده، مورد تأکید است. (طوسی [بی تا]: ج ۳، ۸۶، برای شواهد دیگر مانند آنچه در ذیل تفسیر آیات ۸۸ مائده و ۱۸۳ اعراف آمده نک. ج ۴، ۴۵۹)

جایگاه روایات در تفسیر محمد بن بحر اصفهانی و تفسیر رمانی

یکی از منابع مهم تفسیر، روایاتی است که در ذیل آیات قرآنی از پیامبر و معصومین علیهم السلام رسیده است. مفسران از دیرباز به فراخور خود با این قبیل احادیث به گونه‌ای متفاوت مواجه شده‌اند. ابومسلم اصفهانی و رمانی مانند دیگر مفسران به روایات به عنوان منبع دیگر تفسیر قرآن توجه کرده‌اند، هر چند به طور اندک، از آن بهره برده‌اند. برای مثال محمد بن بحر اصفهانی ذیل آیه ۱۴۳ سوره بقره (فخر رازی: ۱۴۲۰: ج ۴، ۸۹) وی بیانی به این مضمون دارد که اگر روایات نبود ما توانایی تشخیص قبله‌ای را نداشتیم که پیامبر صلی الله علیه و آله چندی بر آن بود. چنان که گفته‌اند براساس برخی روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله سیزده سال در مکه و بعد از مهاجرت به مدینه هم هفت ماه یا هیجده ماه به سوی بیت المقدس نماز گزارد. بعد از آن خدا او را به طرف مکه برگردانید. (طبرسی [بی تا]: ج ۱، ۲۲۳) همچنین روایاتی در ذیل عبارت «و ما جعلنا القبلة الّتی کنت علیها» وارد شده که منظور از «القبلة» بیت المقدس است. (طبری [بی تا]: ج ۲، ۹) براساس روایات دیگر، قبله پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه کعبه بود (ابوالفتوح رازی: ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۰۳) صرف نظر از داوری در چند و چون این روایات، ابومسلم بر آن است که روایت به شرط احراز وثاقت آن معلوم می‌کند که قبله قبل از کعبه کجا بوده است؟ نمونه دیگر در تفسیر آیه ۱۶ نساء است. وی در تأیید قول خود مبنی بر آن که مقصود از «فاحشه» در این آیه خلاف آن چیزی است که اجماع مفسران می‌گویند، روایت پیامبر صلی الله علیه و آله را در تأیید قول خود آورده است. (ابوالفتوح رازی: ۱۴۰۸: ج ۹، ۵۲۹) که مفسران آن را نپذیرفته‌اند.

ابومسلم اصفهانی، قبول روایت تفسیری را منوط به موافقت با ظاهر قرآن و احراز وثاقت سندی آن دانسته است. بر این اساس به هنگام تفسیر آیه ۲۰ سورة اعراف در موضوع وسوسه آدم و حوا توسط شیطان روایات ذیل آن را قصه‌های سست و بی پایه می‌داند که به لحاظ سند قابل خدشه‌اند (ابوالفتوح رازی ۱۴۰۸: ج ۱۴، ۲۱۷).

براساس تفسیر آیه ۲۱۹ سوره بقره محمد بن بحر مراد از «العفو» در عبارت «یَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ» را زکات دانسته و گفته است برای آگاهی از معنای تفصیلی آن باید به سنت مراجعه کرد. (ابوبکر اصم ۱۴۲۸: ۶۵) براساس احادیث شیعه از معانی «العفو» عبارت است از قوت اضافه بر یک سال که شایسته است مورد انفاق قرار گیرد (طبرسی [بی تا]: ج ۱، ۳۱۶). قرابت سخن ابومسلم بحر اصفهانی و روش استنادی او در تفسیر آیه مذکور با چنین روایت یا روایاتی قابل توجه است. درخور ذکر است که براساس برخی روایات دیگر عفو، به معنی انفاق مازاد بر نیاز بوده که با آمدن آیه زکات، حکم قبلی منسوخ شده است. (ابن شهر آشوب ۱۳۶۹: ج ۲، ۲۲۷)

استناد ابومسلم اصفهانی به کلام علی علیه السلام در تفسیر آیه «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً... لباس التقوی ذلک خیر...» (اعراف: ۲۶) مبنی بر آن که لباس تقوی لباس حرب و درع است. (کلینی ۱۳۶۳: ج ۵، ۵) نمونه قابل ذکر دیگر در این بحث به شمار می آید. (ابوبکر اصم ۱۴۲۸: ۱۲۱)

رمانی در تفسیر آیه ۱۷۱ بقره قول مفسرینی را انتخاب می‌کند که بر روایات از جمله روایت امام باقر علیه السلام، استناد کرده‌اند. در این روایت آمده است همان طور که چهارپایان صدای چوپان را می‌شنوند ولی معنای آن را درک نمی‌کنند کفار نیز از دعوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فقط آوازی می‌شنوند ولی معنا و حقیقت آن را درک نمی‌کنند. در این روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شبان تشبیه شده است. (طوسی [بی تا]: ج ۲، ۷۷)

نمونه دیگر در ذیل تفسیر آیه ۲۱ آل عمران «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ...» آمده است که بر مبنای آن علی بن عیسی رمانی از طریق این آیه استدلال کرده، در جایی که ترس از جان و خوف قتل باشد نهی از منکر جایز است. در این نظر، وی بر روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استناد کرده که فرمود: «برترین جهادها کلمه حق است نزد سلطان ستمکار ولو آن که انسان به واسطه آن کشته شود.» (کلینی ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۵۹؛ مجلسی ۱۴۰۳: ص ۹۷، ص ۷۵؛ طوسی [بی تا]: ج ۲، ص ۴۲۲) البته شیخ طوسی با این

نظر مخالفت ورزیده؛ زیرا شرط انکار منکر دو چیز است: یکی نبودن مفسده در آن و دیگری این که انکار او به قتل منجر نشود. (طوسی [بی تا]: ج ۲، ۴۲۲)

استناد به روایت امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در شأن نزول آیه ۵۵ مائده (آیه ولایت) در موضوع پرداخت صدقه توسط امام علی علیه السلام نیز نمونه دیگری است که رمانی در تفسیر خود بدان تصریح کرده است (طوسی، [بی تا]: ج ۳، ۵۴).

تحلیل و بررسی علت توجه شیخ طوسی به روش این دو مفسر

شیوه تفسیری شیخ طوسی، جامع و فراگیر و براساس رویکردی عقل گرایانه (نه به معنای معتزلی آن) و اجتهادی مبتنی است. از نظر وی در تفسیر قرآن، تکیه بر استدلال و نظر اصالت دارد و آیاتی مانند آیات ۷۸ و ۷۹ سوره یس شاهد این اصالت است. شیخ طوسی در چند جای تفسیر از جمله در مقدمه تفسیر، تقلید را تخطئه می کند و از مناظره و خردورزی و محاجه ابراهیم با مشرکان از رهگذر تفسیر آیه ۱۰۴ مائده و ۸۱ انعام طرفداری می کند. او در بحث معارف و این که ضروری است یا اکتسابی، با رویکردی برهانی - استدلالی آن را مورد تأکید قرار داده است (طوسی [بی تا]: ج ۴، ۴۰).

بدین سان می توان گفت توجه مفسر تبیان به آرای تفسیری اصفهانی و رمانی نیز به دلیل نزدیکی روش این دو مفسر با تفسیر اوست. مواجهه مفسران معتزلی با میراث تفسیری گذشتگان، مواجهه ای است تحقیقی و غیر مقلدانه، و براساس آن چه از مقدمه تفسیر تبیان برمی آید مطلوب شیخ طوسی در تفسیر ورودی جامع به آن و پرهیز از مقلد صرف بودن است. عباراتی مانند «هذا غلط» و یا «هذا الذی ذکره لیس بصحیح» که در گزارش شیخ طوسی از آرای این مفسران به چشم می خورد، بیانگر دو نکته مهم است: یکی آن که شیوه مفسران معتزلی در برخورد با میراث تفسیری گذشتگان شیوه تحقیقی و اجتهادی بوده و دیگر آن که خود شیخ نیز دارای چنین روشی بوده است.

مصادیق روش اجتهادی در تفاسیر معتزلی

رمانی ذیل آیه ۵۱ بقره در بحث از قرائت «واعدنا یا وعدنا» و در داوری بین نظر طبری و اخفش نظر طبری را با عبارت «هذا غلط» مردود اعلام می کند... (طوسی [بی تا]: ج ۱، ۲۲۳)، ردّ نظر فراء نحوی در مورد اعراب جمله «لا تضار» در آیه ۲۳۳ بقره نمونه دیگری از نظر اجتهادی او در مسائل نحوی است (همان: ج ۲، ۵۶۳). نمونه دیگر ردّ نظر

جبابی توسط رمانی در معنای کلمه «فارض» است. (طوسی [بی تا]: ج ۱، ۲۹۵). وی همچنین دیدگاه نحوی کسایبی را در ذیل آیه ۶۹ مائده نپذیرفته است. (همان: ج ۳، ص ۶۹)

گاهی رمانی، نظر مفسری دیگر را به این دلیل مردود می‌داند که با مبانی تفسیری وی سازگار نیست، مانند قول او مبنی بر آن که روایت نمی‌تواند آیه را نسخ کند. (همان: ج ۵، ص ۱۱۳) یا اظهار این که قول فلان مفسر با ظاهر قرآن نمی‌سازد یا برخلاف اجماع مفسران است. نمونه‌هایی مانند قبول نظر تفسیری حسن بصری در جایی و رد آن در جایی دیگر نیز به نحوی با مبانی تفسیری او مربوط است (همان: ج ۸، ۵۷؛ ج ۹، ۵۴۶) که با تصریح «هذا غلط و یا لیس بصحیح» آن‌ها را آورده است.

در مورد تفسیر ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی نیز داستان همین‌گونه است. گرچه وی بر مبنای گفته‌های شیخ در تفسیر تبیان به طور صریح در رد مفسری و در قالب عباراتی مانند عبارات پیشین سخن گفته است (برخلاف مفسرانی مانند رمانی، جبابی و بلخی) اما رویکرد او نیز به سان دیگر مفسران معتزلی عقل‌گرایانه و اجتهادگونه است و از این جنبه مورد توجه شیخ طوسی واقع شده است. (برای نمونه نک. فخر رازی ۱۴۲۰، ج ۲۶، ۳۱۴؛ ج ۳۱، ۳۰) گفتنی است جمله «اختاره» در تفسیر امام فخر که بیشترین بازتاب دهنده آرای تفسیری ابومسلم اصفهانی است نیز حکایت از رویارویی اجتهادی این مفسر دارد. (برای نمونه نک: فخر رازی ۱۴۲۰؛ ج ۱۳، ۱۲۳؛ ج ۱۷، ۱۹۲؛ ج ۱۹، ۲۰ و بسیاری موارد دیگر)

ابوالقاسم بلخی و ابوعلی جبابی، از مفسران دیگر معتزلی نیز چنین روشی داشته‌اند. آنان نیز با صراحت تمام در نقد و رد دیدگاه‌های مفسران گذشته اعم از معتزلی و غیرمعتزلی کوشیده و تلاش کرده‌اند در تفسیرهای خویش مستقلاً نظری ارائه یا از میان گفتارهای تفسیری قول خاصی را برگزینند. (طوسی [بی تا]: ج ۲، ۳۸۵؛ ج ۳، ۴۰۳؛ ج ۴، ۴۸۳ و...)

انواع مواجهات شیخ طوسی با آرای تفسیری معتزله

پیدایش علم کلام نتیجه دفاع عقلانی عالمان دینی از اسلام بوده است. در قلمرو تفسیر قرآن یکی از جلوه‌های بارز این دفاع رواج تفسیرهای کلامی به معنای متعارف آن است که به لحاظ قدمت، به قرن سوم و چهارم هجری باز می‌گردد. در این میان معتزلیان و تفسیر آنان بر کتاب الهی نقطه عطفی به‌شمار می‌روند. برخی تفاسیر شیعی، از جمله

تفسیر تبیان نیز با روش استدلالی و عقلی اما متمایز از معتزله از مبانی کلامی شیعه دفاع کرده‌اند.

کلام شیعی و کلام معتزلی به لحاظ رویکرد روش‌شناسی با هم متفاوت‌اند. اساس و قوام کلام شیعه به امامت بستگی تام دارد و مرجعیت فکری خویش را وامدار امامان معصوم می‌داند. شیعه در تفسیر مقولات دینی ضمن بهره‌گیری از روش استدلال‌های عقلی به روایات معصومین به مثابه منبع فهم و تفسیر وحی نیز اهتمام جدی دارد و عقل برتر یعنی عقل آموزگاران معصوم را تکیه‌گاه خود قرار می‌دهد (لاهیجی ۱۳۷۲: ۲۴-۲۶). برخلاف معتزله که به نوعی قائل به عقل‌بستگی‌اند. وجه تمایز دیگر در روش استدلالی شیعه و معتزله آن است که تفکر معتزلی هر چند عقلی است اما جدلی است برخلاف شیعه که برهانی است (مطهری ۱۳۷۴: ۹۳). شیعه با توجه به مبنا قرار دادن احادیث در حوزه تأویل آیات قرآنی با معتزلیان متفاوت‌اند. امامیه تأویل‌هایی را که برخلاف گفته‌ی امامان معصوم باشد نمی‌پذیرند. این در حالی است که تأویل آیات در میان معتزله باید با اصول عقلی‌شان در عدل و توحید هماهنگ باشند.

جنبه کلامی این تفسیر که مورد تأکید محققان بوده (طباطبایی ۱۳۶۱: ۵۹) ریشه در منازعات این قبیل مباحث در عصر شیخ طوسی داشت. یکی از قراین آشکار کلامی بودن این تفسیر طرح اندیشه‌های تفسیری مفسران معتزلی نظیر ابوعلی جبایی، ابوالقاسم بلخی، رمانی، ابن‌اخشید و محمد بن بحر اصفهانی است. گرچه نمی‌توان از رهگذر گفته‌ها و گزارش شیخ طوسی به بازسازی کامل تفسیر این افراد دست یافت زیرا که شیخ طوسی نیز خود همه آرای آن‌ها را نیاورده یا مفسران دیگری نظیر طبرسی یا امام فخر رازی که به طرح دیدگاه‌های تفسیری ابومسلم اصفهانی و امثال او پرداخته‌اند، بعضاً مواردی را گزارش کرده‌اند که شیخ طوسی سخنی در مورد آن‌ها ندارد. با این حال طرح اندیشه معتزلی در تفسیر تبیان نسبتاً گسترده است. نکته قابل ذکر در این بحث، نوع رویارویی شیخ طوسی با آرای تفسیری معتزلیان است. طبیعی است که شیخ طوسی نیز با دیدگاه‌های آنان استدلالی و محققانه برخورد نماید. روند کلی تفسیر آن دسته از آیاتی که رنگ و بوی کلامی دارند، چنین مواججه‌ای را هم گواهی می‌دهد. قبل از بررسی کیفیت این مواججه‌ها شایسته می‌نماید آن‌ها را به لحاظ کمی مرور کنیم. جدول زیر، آمار اقوال مفسران معتزلی در مجموع تفسیر تبیان براساس تحقیق نگارنده است. تمام مجلدات ده‌گانه تفسیر مذکور مورد بررسی قرار گرفته و آرای آن‌ها با دقت نسبتاً زیادی شمارش شده است.

نام مفسر	جلد اول	جلد دوم	جلد سوم	جلد چهارم	جلد پنجم	جلد ششم	جلد هفتم	جلد هشتم	جلد نهم	جلد دهم
ابوعلی جایی	۴۰	۱۲۷	۱۳۴	۱۱۰	۱۱۹	۹۲	۷۵	۳۵	۱۵	۱۷
بلخی القاسم بلخی	۳۰	۵۲	۱۱۲	۸۳	۲۹	۲۶	۲۵	۱۵	۲۲	۱۲
علی بن عیسی رمانی	۵۸	۵۶	۵۶	۶۰	۴۳	۲۸	۱۴	۱۲	۷	۵
ابن رخشید	-	۹	۱	۳	۳	۳	۲	۱	-	-
محمد بن بحر اصفهانی	۷	-	۲	۱	۴	-	-	۵	-	۱۱

بررسی تحلیلی این آمار نشان دهنده فراوانی استفاده شیخ طوسی از آرای تفسیری مفسران معتزلی است که به ترتیب بیشترین توجه در این تفسیر به دیدگاه‌های ابوعلی جبایی بوده است و پس از آن متعلق به رمانی، بلخی و ابن اخشید و محمد بن بحر اصفهانی. اگر نام ابوعلی (به عنوان نام مشترک بین جبایی و ابوعلی فارسی) که از برخی قراین و در بسیاری موارد به دست می‌آید که منظور جبایی است به اعداد ستون اول افزوده شود آن‌گاه فاصله فراوانی استفاده جبایی در تفسیر تبیان در مقایسه با دیگر مفسران محسوس تر خواهد بود. این آرا هم به مسائل تفسیری مربوط می‌شود و هم تا حدی بازتاب دهنده آرای نحوی و ادبی آن دسته از مفسرانی است که به‌ویژه در نحو و ادبیات دستی داشته‌اند مانند جبایی و رمانی. با توجه به چنین پیشینه‌ای و با عنایت به منازعات کلامی عصر شیخ طوسی، جایگاه کلامی این تفسیر روشن می‌شود. شیخ طوسی در این تفسیر به‌ویژه در برابر این آرا برخوردی متفاوت داشته است که کوشیده‌ایم در محورهای ذیل آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم.

گزارش صرف نظریات متکلمان

در بسیاری از موارد گفته‌های متکلمان معتزلی در تفسیر تبیان گزارش شده، بدون این‌که هیچ نظری - اثباتاً یا نفیاً - در بحث مورد نظر از جانب مفسر صورت گرفته باشد. در این قبیل موارد می‌توان گفت اقوال مفسران معتزلی در واقع تفسیر آیه است و شیخ طوسی آن‌ها را تلقی به قبول کرده است. برای مثال ذیل آیه اعراف که موضوع هدایت و ضلالت مطرح است، صرفاً اقوال جبایی یا بلخی را منعکس شده است. (طوسی [بی‌تا]: ج ۵، ۲۳۵) نمونه دیگر ذیل آیه ۱۰۳ آل عمران است با موضوع «حق تقوا» به عنوان آخرین و عالی‌ترین درجه پرهیزکاری. بدیهی است تحقق این مسئله خطیر به میزان توانایی انسان وابسته است.

عده‌ای از مفسران ادعا کرده‌اند این آیه با آیه ۱۶ تغابن نسخ شده است (طبرسی [بی‌تا]: ج ۲، ص ۸۰۵؛ سیوطی [بی‌تا]: ج ۲، ص ۵۹؛ ثعالبی، ج ۲، ص ۸۴) اما ابوعلی جبایی ادعای نسخ را مردود می‌داند. شیخ طوسی به هنگام تفسیر این آیه، قول جبایی را آورده و هیچ سخنی در نفی آن نگفته است (طوسی [بی‌تا]: ج ۲، ص ۵۴۴) می‌توان گفت شیخ طوسی نظر جبائی را پذیرفته، به این دلیل که در تفسیر آیه ۱۶ تغابن شیخ طوسی تصریح کرده بین آیه ۱۰۳ آل عمران و آیه مورد نظر منافاتی وجود ندارد که ادعا شود آیه اخیر، آیه پیشین را نسخ کرده است.

مورد دیگر تفسیری است که شیخ طوسی ذیل آیه «وما یعلم تاویلہ الا اللہ والراسخون فی العلم» (آل عمران: ۷) از جایی نقل کرده است. با توجه به آن که شیخ طوسی در اینجا نیز پس از طرح تفسیر جایی سخن خاصی در مورد آیه ندارد. بنابراین آن را قبول کرده است. به ویژه آن که شریف رضی نیز در جایی این قول را به محققان نسبت داده و گویا به این تفسیر رضایت داده است (سید رضی [بی تا]: ص ۸).

عنایت ویژه به آرای معتزله نسبت به سایر فرقه‌های کلامی

آرای فرقه‌های مختلف کلامی مورد توجه شیخ طوسی قرار گرفته است؛ اما عنایت به معتزله در تفسیر بیان حرف دیگری است. او غالباً وقتی می‌خواهد از اشعار سخن بگوید نام آن‌ها را ذکر نمی‌کند بلکه به عنوان «مخالفینا» از آن‌ها سخن به میان می‌آورد. این در حالی است که در بسیاری از موارد تصریح به نام معتزله کرده و می‌گوید «استدلت بالمعتزله» یا «قالت المعتزله»؛ این موضوع نشانگر اهمیت نظریات این متکلمان - البته نه به معنای تأیید دیدگاه‌های آن‌ها - در مقایسه با دیگر فرقه‌هاست. وجود مبانی مشترک کلامی - اعتقادی بین شیخ طوسی و متفکران معتزله به خصوص در مسائلی نظیر حسن و قبح عقلی و موضوع عدل را می‌توان ریشه‌های این رهیافت‌های مشترک دانست.

موضوع‌گیری در مقابل اندیشه‌های کلامی غیر شیعی

از خصوصیات مهم تفسیر بیان تفسیر آیات در پرتو اصول و عقاید شیعه است. شیخ طوسی که فقیه و اصولی تمام عیار شیعی است هنگام بحث از آیات الاحکام اندیشه‌های فقهای امامیه را مطرح می‌کند و موارد اختلاف آن را با آرای اهل سنت برمی‌شمارد. (طوسی [بی تا]: ج ۳، ۳۰۷؛ ج ۲، ۱۲۶) در حوزه مربوط به معارف، موضوعاتی مثل عصمت امام (طوسی [بی تا]: ج ۱، ۴۴۹؛ ج ۳، ۲۳۶) امامت امام عصر (ج ۶، ۴۱۷) تقیه (ج ۲، ۴۳۵) شفاعت (ج ۹، ۳۷) و بسیاری عقاید دیگر از رهگذر آیات و روایات اثبات می‌شود. در همین جهت، نظر و عقاید کلامی فرقه‌هایی چون مجبره (ج ۱، ۷۳، ۲۵۵، ۲۴۳) مشبهه (ج ۳، ۴۰۳؛ ۱۱۳؛ ج ۶، ۹) غلاة (ج ۵، ص ۹۴) مجسمه (ج ۲، ۳۱۰؛ ج ۴، ۳۵۱) مرجئه (ج ۶، ص ۲۰۴) مورد نفی قرار می‌گیرد. در حوزه آرای تفسیری معتزلیان نیز شیخ مواجهه و موضع‌گیری اجتهادی و متکلمانه دارد. او در زمینه مسائلی چون «فسق»، «کفر»، «وعد و وعید»، «توبه و عقاب» و «ثواب و احباط» آرای

معتزله را مردود می‌داند. (طوسی [بی‌تا]: ج ۱، ۱۷۱؛ ج ۲، ۸۱؛ ج ۳، ۱۴۱؛ ج ۲، ۲۸۳؛ ج ۳، ۱۸۲) برخلاف معتزله عارض شدن سهو و فراموشی بر انبیا را در محدوده وظیفه و ایفای رسالت نبوی ایشان جایز نمی‌شمارد. (طوسی [بی‌تا]: ج ۴، ص ۱۶۵) نظریات او درباره ارتکاب کبیره به عنوان موضوعی اختلافی بین معتزله و شیعه نیز یاد کردنی است. او در این مورد نیز به عنوان یک عالم شیعی در مقابل معتزله قرار گرفته است. وی مخلد بودن در آتش را برای مرتکب کبیره جایز نمی‌داند و به عقیده او ایمان با ارتکاب کبیره قابل جمع است و حتی ممکن است شفاعت نیز شامل حال مرتکب کبیره بشود. (طوسی [بی‌تا]: ج ۱، ۳۲۹ و ۴۶۵؛ ج ۲، ۵۷، ۳۵۰، ۲۱۰)

شیخ طوسی در آرای تفسیری ابوالقاسم کعبی مناقشه کرده و بعضی از آن‌ها را مورد رد و انکار قرار داده است. برای نمونه در این زمینه می‌توان به رد قول بلخی دال بر برتری ملائکه بر انبیا در ذیل تفسیر آیه ۵۰ انعام اشاره کرد. (طوسی [بی‌تا]: ج ۴، ۱۴۳) نفی دیدگاه جبایی و بلخی، در موضوع حبط عمل به وسیله ارتکاب گناه کبیره از رهگذر تفسیر آیه ۸۲ انعام، مثال دیگری در این زمینه به شمار می‌آید. طوسی گفته بلخی و سایر مفسران معتزله را در این رابطه برخلاف تفسیر صحابه و تابعین دانسته‌اند. (طوسی [بی‌تا]: ج ۴، ۱۹۱) نمونه دیگر رد قول جبایی ذیل آیه ۱۲۴ بقره می‌باشد (همان: ج ۱، ۴۴۷)

نقد و ایراد به قول ابو مسلم محمد بن بحر اصفهانی نیز در تفسیر بیان به چشم می‌خورد ضمن آن‌که در مقدمه تفسیر روش وی را پسندیده، اما الزام طوسی به اجتهادی برخورد کردن با اقوال مفسران، شیخ طوسی را بر آن داشته تا با عباراتی مانند «کلام ابو مسلم خلاف اقوال و اجماع مفسرین» و یا «خلاف سیاق» و یا «سیاق مانع اراده» چنین معنایی است و یا «قول بعیدی» است، آن‌ها را مورد تردید قرار دهد. برای نمونه در ذیل آیه ۱۱۷۱ اعراف - با موضوعیت فراز شدن کوه طور بر سر قوم بنی اسرائیل به عنوان آیت الهی - دیدگاه تفسیری او را برخلاف اقوال مفسران و یا خلاف مقتضای سیاق آیات دانسته و آن را نپذیرفته است (همان: ج ۵، ۲۵) نمونه دیگر در رد قول ابو مسلم اصفهانی ذیل آیه ۸۹ صافات «فقال انی سقیم» است شیخ طوسی نظر اصفهانی را که گفته بود این جمله از سوی حضرت ابراهیم در زمان «مهلت نظر» بیان شده خلاف مقتضای سیاق آیه دانسته است (همان: ج ۸، ۵۰۹).

ترجیح قول یکی از مفسران معتزله

یک روش دیگر در رویارویی تفسیری شیخ طوسی با آرای مفسران در قالب ترجیح قول مفسر معتزلی، نمود پیدا کرده است. پذیرش دیدگاه محمد بن بحر اصفهانی در ذیل آیه ۷۸ بقره «و منهم امیون لا یعلمون الكتاب»^۳ شیخ طوسی نظر این مفسر را مبنی بر آن که «الامانی» به معنی تقدیر است، با استناد به شعری ترجیح داده است (طوسی اِبی تا: ج ۱، ۳۱۹).

پذیرش قول رمانی در تفسیر آیه ۱۰۳ آل عمران با عبارت «هذا صحیح» نمونه دیگر قابل ذکر در این تفسیر است. (همان: ج ۲، ۵۴۳) براساس این تفسیر شیخ طوسی قول ابو علی جبایی را در مقایسه با نظر رمانی در موضوع حق تقوای الهی ضعیف دانسته است.

نمونه دیگر، قبول قول جبایی در ذیل آیه ۱۲۵ بقره با موضوع دستور خدا به ابراهیم و اسما عیل مبنی بر طهارت کعبه برای طواف کنندگان است که قول این مفسر را با توجه به آن که روایات نیز آن‌ها را تأیید می‌کند ترجیح داده است. ترجیح قول جبایی بر قول مفسرانی مانند مجاهد و سعید بن جبیر در تفسیر عبارت «عاکفین»^۴ ذیل آیه ۱۲۵ بقره را می‌توان به مثال‌های بالا افزود (همان: ج ۱، ۴۵۴).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

توجه مفسر تبیان به آرای تفسیری محمد بن بحر اصفهانی و علی بن عیسی رمانی به دلیل نزدیکی روش این دو مفسر با تفسیر اوست. گرچه به لحاظ روش‌شناسی و شیوه استدلالی، رویکرد شیخ طوسی همانند دیگر مفسران و متکلمان شیعی، با مفسران معتزلی متمایز است.

مواجهه مفسران معتزلی با میراث تفسیری گذشتگان مواجهه‌ای است تحقیقی و غیر مقلدانه. آرای تفسیری ابو علی جبایی، علی بن عیسی رمانی و بلخی در تفسیر تبیان به نسبت سایر مفسران بازتاب گسترده‌تری دارد.

شیخ طوسی ضمن عنایت ویژه به آرای معتزلی در برخی موارد، مقابل اندیشه‌های کلامی آن‌ها موضع‌گیری کرده است و در مواردی در تفسیر تبیان با عدم موضع مشخص در برابر آرای معتزله اقوال آن‌ها را تلقی به قبول کرده است.

منابع و مأخذ

- آقا بزرگ طهرانی [بی تا] الذریعه الى تصانیف الشیعه؛ بیروت، دارالاضواء.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (١٩٩٢)، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک: تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب مازندرانی (١٣٦٩)، مشابه القرآن و مختلفه؛ تحقیق حسن مصطفوی.
- ابن عماد حنبلی [بی تا]، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب؛ بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ابن مرتضی، احمد بن یحیی [بی تا]، طبقات المعتزله؛ تحقیق دیفلد فلرز، بیروت، دارالمنتظر.
- ابن ندیم (١٣٦٦)، الفهرست، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تهران، امیرکبیر.
- ابوبکر اصم، عبدالرحمن بن کیسان (١٤٢٨)، التفسیر به همراه تفسیر ابومسلم محمد بن بحر لصفهائی؛ تحقیق خضر محمد نبها، بیروت دارالکتب العلمیه
- ابو الفتوح رازی (١٤٠٨)، رضى الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن: مشهد، چاپ آستان قدس رضوی
- بنت الشاطیء، عایشه عبدالرحمن (١٣٧٦)، اعجاز بیانی قرآن؛ ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- بیضاوی، ناصرالدین عبدالله بن عمر (١٤٠٨)، انوار التنزیل و اسرار التاویل؛ بیروت، دارالکتب العلمیه.
- تفرشی، مصطفی بن حسین (١٤١٨)، نقد الرجال؛ قم، مؤسسه آل البيت.
- تنوخی، قاضی ابوعلی، (١٣٩١) نشوار المحاضره و اخبار المذاکره؛ تحقیق عبود الشالجبی، بی نا، بیروت.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف [بی تا]، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق علی محمد معوض، بیروت، دار احیاء التراث.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (١٤١٧)، تاریخ بغداد؛ تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- داوودی، شمس الدین احمد (١٤١٣)، طبقات المفسرین؛ تحقیق عبدالسلام عبدالمعین، بیروت دار الکتب العلمیه.
- دوانی، علی (١٣٨٦)، هزاره شیخ طوسی (مجموعه مقالات کنگره)؛ تهران، چاپ و نشر بین الملل (امیرکبیر).
- ذهبی، محمد بن احمد (١٤٠٧)، تاریخ الاسلام؛ تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.
- — (١٤١٣) سیر اعلام النبلاء؛ تحقیق شعیب ارنووط، بیروت، مؤسسه الرساله.
- زهدی جارالله [بی تا]، المعتزله؛ قاهره (١٣٦٦).

- سید رضی، محمد بن حسین [بی تا]. حقائق التزیل فی متابه التاویل: تحقیق و شرح محمدرضا آل کاشف الغطاء، بیروت، قم.
- سید مرتضی، ابوالقاسم علی بن حسین (۱۴۰۳)، امالی: قم، چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
- سیوطی، جلال الدین [بی تا]، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور: بیروت، دارالمعرفه.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۲)، مبانی و روش های تفسیری: قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۵)، مجالس المؤمنین: تهران، چاپ اسلامیة.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۱)، قرآن در اسلام: قم، چاپ جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن [بی تا]، مجمع البیان فی تفسیر القرآن: تصحیح و تحقیق هاشم رسولی محلاتی و فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت، دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن [بی تا]، التیان فی تفسیر القرآن با مقدمه شیخ آقا بزرگ تهرانی و تحقیق قصیر العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۴۱۵) رجال تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین.
- _____ (۱۴۰۴) اختیار معرفه الرجال (معروف به رجال کشفی): تصحیح میرداماد استرآبادی و تحقیق مهدی رجایی، مؤسسه آل البیت.
- _____ (۱۴۱۷) الفهرست: تحقیق جواد قیومی، قم.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب: بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قمی، حسن بن علی بن حسن عبدالملک (۱۳۶۱)، تاریخ قم: به کوشش سید جلال الدین طهرانی، تهران، انتشارات طوس.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی: تصحیح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه.
- لاهیجی، ملاعبدالرزاق (۱۳۷۲) گوهر ایمان: تحقیق و تصحیح و مقدمه زین العابدین قربانی لاهیجی، تهران، چاپ وزارت ارشاد.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار: بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، مجموعه آثار: قم، انتشارات صدرا.
- مفید، محمد بن محمد النعمان (۱۳۷۱)، تصحیح الاعتقاد، تبریز [بی تا].
- مکدر موت، مارتین (۱۳۸۴)، اندیشه های کلامی شیخ مفید: ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- یاقوت حموی (۱۳۹۹)، معجم البلدان: بیروت، دار احیاء التراث العربی
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۸)، رجال: قم، چاپ جامعه مدرسین.